

## بازشناسی ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت ایرانی - اسلامی از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

علیرضا سمیعی اصفهانی\*

ابوذر رفیعی قهساره\*\*

نسیبه نوری\*\*\*

### چکیده

نظریات متعددی در باب چیستی هویت ملی و عناصر مؤثر در شکل‌گیری و تحول آن از سوی نظریه‌پردازان ارائه شده است. باین حال، تمامی این نظریات و دیدگاه‌ها در این مسئله که هویت ملی نوعی «تمایزسازی آگاهانه خود از دیگران» است، اشتراک دارند. در این نوشتار تلاش شده است با بهره‌گیری از نظریه و رویکرد جامعه‌گرایی و بر اساس منظومه فکری و معرفتی امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، به پرسش‌های سه‌گانه زیر در باب هویت ملی ایرانیان پاسخ داده شود: اولاً، هویت ملی دارای چه ابعادی می‌باشد؟ ثانیاً، این ابعاد چه مؤلفه‌هایی را در برمی‌گیرند؟ ثالثاً، عوامل تهدیدکننده مؤلفه‌های مذکور چه می‌باشند و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های هویت ملی با این تهدیدات مقابله کرد؟ از نگاه این پژوهش، رویکرد جامعه‌گرایی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، از قابلیت خوبی برای تبیین موضوع این پژوهش برخوردار است.

### واژگان کلیدی

هویت ملی، هویت ایرانی - اسلامی، امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری.

### مقدمه

نخستین عامل و شرط ضروری برای استقلال هر کشور و رهایی آن از سلطه خارجی، شکل‌گیری یک هویت

asamiei@yu.ac.ir

rafiei\_aboozar@yahoo.com

nasibe.noori@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

\*. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج.

\*\* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج.

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

ملی و بومی در آن کشور است، یعنی آنکه هویت ملی بر مبنای ارزش‌های بومی در آن کشور شکل گیرد. بنابراین شکل‌گیری یا احیای هویت ملی بومی رمز استقلال هر کشور و مانعی بر سر راه سلطه قدرت‌های جهانی بر آن کشور است. همین مسئله مورد توجه امام خمینی ره و مقام معظم رهبری نیز بوده است. به گونه‌ای که ایشان نسبت به مسخ و استحاله هویت بومی هشدار داده و آن را عامل اصلی سلطه استعماری غرب بر کشور و عقب‌ماندگی آن دانسته‌اند. به همین دلیل، موضوع احیای هویت ملی از سوی ایشان نوعی راهبرد مبارزاتی جهت جلوگیری از این نوع سلطه است. به‌عنوان نمونه، امام خمینی ره در خصوص لزوم احیای هویت ملی خاطر نشان می‌سازند که «ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم که چه بودیم، ما در تاریخ چه بوده و چه هستیم، چه داریم، تا اینها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم» و یا در جایی می‌فرمایند: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند، الا اینکه خودش، خودش را بفهمد». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷۴) مقام معظم رهبری نیز بر مقدم بودن شکل‌گیری هویت ملی بر استقلال کشورها تأکید داشته و می‌فرماید «آنچه دشمنان بنیانی این ملت همیشه می‌خواسته‌اند و دنبال می‌کرده‌اند، این بوده که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی یک ملتی احساس شخصیت نکرد، احساس هویت نکرد، راحت‌تر زیر بار می‌رود». (www.khamenei.ir، بیانات در ۱۳۸۷/۱۲/۱۶)

بنابراین با توجه بنیادی بودن هویت ملی در منظومه فکری امام خمینی ره و مقام معظم رهبری، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که از دید ایشان چه ابعاد و مؤلفه‌هایی را برای هویت ملی و بومی بازشناسی می‌کنند و چه عواملی را تهدیدکننده این هویت ملی می‌دانند؟

در پاسخ به این سؤال، مقاله حاضر به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود:

در بخش نخست، به مبانی نظری پژوهش که نظریه جامعه‌گرایی می‌باشد، پرداخته می‌شود.

در بخش دوم، ابعاد هویت ملی و بومی از دیدگاه امام و مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش سوم، چپستی عناصر شکل‌دهنده به هویت ملی از منظر امام و مقام معظم رهبری، مورد بازشناسی قرار گرفته‌اند.

در بخش پایانی نیز تلاش می‌گردد عوامل تهدیدکننده هویت ملی از نگاه امام و مقام معظم رهبری مورد واکاوی قرار گیرد.

روش پژوهش کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی و روش اجرای آن کتابخانه‌ای - اسنادی است.

## مفهوم‌شناسی پژوهش

### هویت

هویت در اصطلاح، مجموعه‌ای از شاخص‌ها و علائم در حوزه مؤلفه‌های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد و گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۲) دایرةالمعارف فلسفی استنفورد هویت را عبارت می‌داند از «آن ویژگی‌هایی که باعث

منحصربه‌فرد شدن شما و تمایز شما از سایرین می‌گردد» (Olson, 2002). هویت همچنین به معنای آگاهی فرد از کیستی فردی و تعلقات اجتماعی‌اش به کار رفته است. این آگاهی از طریق فرایند فردیت بخشیدن حاصل می‌شود، اما صرفاً یک احساس درونی و فردی باقی نمی‌ماند، بلکه از طریق نشان دادن همگنی‌ها و ناهمگنی‌های فرد با افراد دیگر نمود بیرونی و جمعی می‌یابد و به بنیادی برای ارتباط و کنش اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شود. (دلآوری، ۱۳۸۶: ۲۶۲)

### هویت ملی

از لحاظ لغوی ملت و هویت ملی در فرهنگ واژگان علوم اجتماعی غرب، ریشه در واژه انگلیسی Nation دارد. این مفهوم پدیده‌ای چند بُعدی است و در هر رشته تعاریف و نظریه‌های مختلفی از آن ارائه شده است. (Spieberger and ungersbock, 2005: 3) هویت ملی، فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه قوم یا ملتی به پرسش‌هایی از خود، از گذشته و اینکه چه کسی بوده و متعلق به کدام گروه است، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و در فرایند توسعه جهانی چه سهم و نقشی داشته و امروز صاحب چه جایگاه و منزلتی در نظام جهانی است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت هویت ملی، معناسازی بر مبنای مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی است که طی آن در چارچوب عضویت در یک جامعه سیاسی، در قبال آن احساس همبستگی، تعهد و وفاداری می‌یابند. (زهیری، ۱۳۸۴: ۳۲)

### چارچوب نظری پژوهش

اتخاذ سیاست‌های موفق در زمینه‌های مختلف از جمله هویت، نیازمند نظریه‌پردازی‌های سیاسی و فلسفی و استفاده از روش‌های علمی پژوهش است. تعدیل و اصلاح سیاست‌ها از جمله کارکردهای مباحث فلسفی و روش‌شناختی است. مهم‌ترین روش‌شناسی‌ها در مطالعات هویتی عبارتند از: روش‌شناسی اثباتی، تفسیری و انتقادی و مکاتب مهم صاحب نظریه در حوزه هویت‌پژوهی نیز عبارتند از: مکتب رئالیسم، مکتب ایدئالیسم، لیبرالیسم و مکتب جامعه‌گرایی و مکتب پست‌مدرن.

جامعه‌گرایی یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری منتقد لیبرالیسم حاکم بر دوره مدرن در غرب است که در اواخر قرن بیستم با به عرصه تفکر سیاسی گذاشته است. انتشار کتاب در پی فضیلت‌السدیر مک اینتایر در سال ۱۹۸۱ و *لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت* اثر مایکل سندل در سال ۱۹۸۲ را می‌توان اعلام موجودیت این جریان تلقی کرد. وجه اشتراک همه جامعه‌گرایان نقد لیبرالیسم و تنگناها و بحران‌های آن در دوران مدرن است. مهم‌ترین متفکران این مکتب عبارتند از: «مایکل سندل»، «السدیر مک اینتایر»، «مایکل والزر» و «چارلز تیلور». دو موضوع بسیار مرتبط با یکدیگر وجود دارد که اجتماع‌گرایان در آنها با هم مشترکند: یکی اثباتی و دیگری سلبی. از دید اثباتی، اجتماع‌گرایی رویکردی در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی است که بر اهمیت

روانی، اجتماعی و اخلاقی تعلق به اجتماع تأکید دارد و به این نکته اصرار می‌ورزد که امکان الزام برای توجیه براهین اخلاقی، منوط به این واقعیت است که استدلال‌ات اخلاقی باید در متن سنت‌های اجتماعی و برداشت‌های فرهنگی بسط یابند. اما اجتماع‌گرایی از دید سلبی شامل رویکردهای گوناگون انتقاد به تفکر لیبرال است. (حاجی حیدری، ۱۳۸۴: ۳۳۲)

هویت مورد نظر اجتماع‌گرایی، هویت اجتماعی است. منظور از اجتماعی بودن هویت از نظر آنان این است که عضویت در گروه‌ها و تعلق داشتن به نژاد و قومیت، جنس و خانواده و مذهب، هویت افراد را مشخص می‌کند. البته لازمه سهیم شدن در هویت اجتماعی داشتن تعامل و آگاهی از دیگر اعضای آن گروه‌ها نیست، بلکه نشان‌دهنده باور ماست به اینکه خصوصیات مشترکی با اعضای گروه‌های جامعه داریم و حوادث و اتفاقاتی که برای گروه پیش خواهد آمد، اعضا را نیز متأثر خواهد کرد. (Deaux, 2001: 9)

تیلور در خصوص اجتماع و ارتباط آن با هویت اشاره می‌کند که هویت ما از طریق دل‌مشغولی‌ها و ارتباطات با اشخاص دیگر که برای ما اهمیت دارند، شکل گرفته و حفظ می‌شود. هویت خویشتن در نتیجه گفتگو با دیگر اعضای جامعه تعیین و تعریف می‌گردد. (Lenard, 2004: 8) بر این اساس، از نگاه نظریه‌پردازان این مکتب، «من» در میان «ما» و در یک ارتباط متقابل و پویا شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود. هویت «ما» امر از پیش تعیین‌شده و مقدم بر مشارکت «ما» در جامعه نیست. آنان به پیروی از ارسطو انسان را حیوانی اجتماعی می‌دانند که هویت وی در جامعه ساخته می‌شود و چیزی به نام هویت‌های خودکفا و خودساخته وجود ندارد.

جامعه‌گرایی برخلاف لیبرالیسم، بیشتر به آرمان اجتماعی انسان می‌اندیشد تا صرف مشارکت مصلحت‌اندیشانه. اجتماع‌گرایان در مقابل فردگرایی محض لیبرالیست‌ها، بر خیر جمعی و ارزش‌های جمعی تأکید می‌کنند. (Bachvarova and Moor, 2006) فرد با مشارکت در حوزه سیاست و مناسبات اجتماعی، به هویت خود تعیین می‌بخشد. سرشت او قبل از آنکه بداند کیست و در چه موقعیتی است و خیر و شر او در چیست و چه خواسته‌هایی دارد، متأثر از جامعه است. هویت ما امر از پیش تعیین‌شده مقدم بر مشارکت ما در جامعه نیست. بسیاری از اهدافی که ما تعقیب می‌کنیم اجتماعی و مشترک است نه شخصی. (Bender and Dilipmoojee, 2008: 2)

از سوی دیگر، هویت موردنظر جامعه‌گرایی، حاوی نوعی اصالت و دیرینگی است. هر سنتی مکانیسم پژوهشی خود را داراست، چون واجد نقد درونی است و این ادعای لیبرال‌ها که تحقیق و پژوهش در سنت میسر نیست، اعتباری ندارد. از نظر آنها قیاس‌ناپذیری و ترجمه‌ناپذیری از نخستین اصول گفتگو بین سنت‌هاست، چراکه هر سنتی معمولاً دینامیسم درونی خود را دارد که در پهنه تاریخ شکل گرفته است. مناسبات درونی سنت‌های مختلف، بیش از هر چیز دیگر متأثر از اخلاقیات، سنت و فرهنگ همان زمینه است. جامعه‌گرایان با تأکید بر نقش زمینه فرهنگی در شکل‌گیری این ارزش‌ها و فهم‌پذیری آنها و با اذعان بر خاص بودن فرهنگ در جوامع مختلف، ادعای جهان‌شمولی تفکر لیبرالیستی را زیر سؤال برده‌اند.

بهترین و مؤثرترین شیوه دست‌یابی به اخلاق و فلسفه سیاسی تلاش برای استنباط و استنتاج ارزش‌های جهانی و اصول بنیادین نیست، بلکه برخلاف آن تفسیر ارزش‌ها در شیوه‌های زندگی گروه‌های واقعی، جوامع و اجتماعات صورت می‌گیرد. هر جامعه‌ای دارای شرایط خاص خود است. هیچ اصل جهان‌شمولی نمی‌تواند محرک و راهنمای همه خیرها و منافع و اهداف در همه جوامع باشد. در هر جامعه‌ای، منافع و اهداف براساس اصول همان جامعه تعریف می‌شوند. همه فرهنگ‌ها و هویت‌ها به نوبه خود ارزش و اصالت دارند و تلاش برای تسطیح فرهنگی و علایق هویتی نامطلوب و ناممکن است و به بهانه‌های پیشرفت و مدرن ساختن و توسعه نباید ارزش‌های خاصی مانند فردگرایی و اصالت‌فایده را جهان‌شمول جلوه داد. جامعه‌گرایان بر «موقعیت‌مندی خود» تأکید دارند. به عقیده مک اینتایر دولت نمی‌تواند جامعه را به حال خود رها کند تا مردم به‌تنهایی خودمختاری‌شان را محقق ساخته و حقوق خود را به‌دست آورند. چنین وضعیتی بیش از هر چیز، نوعی گسیختگی اجتماعی و فاجعه اخلاقی را در پی می‌آورد و بنیان‌های داخلی امنیت را متزلزل می‌کند. (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۰۲)

بنابراین از نظر اجتماع‌گرایان، امنیت هویت و مقابله با بحران‌های داخلی و تهدیدات خارجی، عبارت است از عمل بر وفق سنت‌ها و گذشته دیرپا، اخلاق و فضیلت، سواى سودمند بودن یا نبودن آنها و تعدد گروه‌های هویت‌ساز دینی، مذهبی، جنسی و قومی. اخلاق و سنت و هویت اجتماعی افراد باید در سیاست‌گذاری و مملکت‌داری مورد توجه قرار گیرد. حفظ هویت‌های دینی و سنتی محافظ امنیت از داخل بوده و تحریف و ترجمه سنت‌ها و هویت‌ها به نفع یک هویت خاص یا هدفی خاص مانند توسعه از طرف دولت، امنیت هویت جامعه را تهدید می‌کند. درواقع چنین دولتی به یاری سنت‌های فرهنگی پاسدار صلح اجتماعی و خیر و صلاح شهروندان است تا در گرداب فردگرایی افراطی، نسبیت اخلاقی و بحران معنا گرفتار نشوند.

در مجموع، اجتماع‌گرایان بر ارزش‌هایی که در تقابل با فردگرایی قرار می‌گیرند، اصرار ورزیده و در عوض بر عمل متقابل، اعتماد، انسجام و سنت تأکید می‌نمایند. این گروه معتقدند ارزش‌های اخلاقی و اصول سیاسی نه به‌گونه‌ای جهان‌شمول، بلکه باید با توجه به زندگی گروهی، جامعه و اجتماعی که افراد در آن عضویت دارند، مورد استنباط و عمل قرار گیرند. (آل‌غفور، ۱۳۸۸: ۲) مرجع امنیت و مقابله با تهدیدات خارجی نسبت به بنیادهای هویتی یک جامعه نیز از نگاه جامعه‌گرایان مقوله‌ای فرافردی یعنی جامعه انسانی است و مستتر و اکتشافی در روابط بین گروه‌ها و سنت‌ها است.

بنابراین به‌دلیل سنخیت و سازگاری رویکرد جامعه‌گرایان با بنیادهای هویتی جامعه ایران و همچنین گفتمان هویتی برآمده از انقلاب اسلامی، در ادامه تلاش می‌گردد با تأکید بر این نظریه، هویت ملی را از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران توصیف و تبیین نماییم.

### ابعاد هویت ملی از نگاه امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری

هویت ملی به‌عنوان یکی از سطوح مهم هویت جمعی، برآمده از ملیت می‌باشد و عناصر و مؤلفه‌های مشترک

در مردمان یک واحد سیاسی را دربرمی‌گیرد. بنابراین زمانی می‌توانیم از هویت ملی سخن بگوییم که ملیت را پذیرفته باشیم. به این ترتیب برای بررسی مفهوم هویت ملی و عناصر سازنده آن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، ابتدا باید جایگاه ملت را در اندیشه ایشان بررسی کنیم.

با نگاهی به بیانات امام خمینی علیه السلام در می‌یابیم که ایشان ملت و ملیت را به‌عنوان یک واحد سیاسی و به‌عنوان یک واقعیت موجود در جهان معاصر به رسمیت می‌شناسند. چراکه می‌فرمایند «ما روابطی دوستانه با همه ملت‌ها داریم و دولت‌ها هم اگر با ما به‌طور احترام رفتار کنند، احترام متقابل را داریم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴ / ۳) ایشان همچنین استقلال ملت‌ها و کشورهای اسلامی را به رسمیت می‌شناسند. (همان: ۱۰ / ۲۵۳)

در اندیشه سیاسی امام، ملیت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی امری پذیرفته شده است. باین حال ایشان با هرگونه ایدئولوژی ملی‌گرایانه یا نژادپرستانه مخالف بوده آن را رد می‌کنند. دلیل این مخالفت آن است که اساساً ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه با تأکید صرف بر عناصر مادی تشکیل‌دهنده هویت ملی و نیز اصالت دادن به ملیت، آن را تنها معیار تقسیم‌بندی دانسته و انسان‌ها را براساس این عناصر روبه‌روی یکدیگر قرار می‌دهند و این خلاف آموزه‌های اسلامی است. درواقع امام براساس مبانی قرآن که واحدهای جمعی غیرعقیدتی را تنها برای شناسایی انسان‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا. (حجرات / ۱۳)  
خداوند شما را در گروه‌ها و قبایل مختلف قرار داد تا یکدیگر را بشناسید.

ضمن پذیرش هویت ملی به‌عنوان یک واقعیت عصر معاصر، اصالت را به هویت ملی نمی‌دهند، بلکه آنچه در دیدگاه ایشان اصالت دارد، تقسیم‌بندی براساس عوامل فرهنگی و عقیدتی است. بنابراین طبیعی است که در اندیشه سیاسی امام هویت ملی، هویتی باشد مبتنی بر دو لایه و بُعد که عبارتند از ایرانیت و اسلامیت. ایشان در جایی می‌فرمایند:

ما ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم ... ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم، همه‌جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام است، نه اینکه همه‌اش ملیت و همه‌اش گبریت؛ ملیت، حدودش حدود اسلام است. (همان: ۱۰ / ۱۲۴)

به این ترتیب از دیدگاه امام، هویت ملی ایرانی ابعادی دوگانه (ایرانی و اسلامی) دارد. البته همان‌گونه که این عبارات نشان می‌دهد در دیدگاه ایشان بُعد اسلامیت بر بُعد ایرانیت رجحان دارد.

همین دیدگاه را می‌توان در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری هم مشاهده نمود. درواقع ایشان نیز هویت ملی ایرانی را هویتی تلفیقی و متشکل از دو بُعد ایرانیت و اسلامیت می‌دانند. چنانچه می‌فرمایند: «هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست، بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست.» ([www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)، بیانات در ۱۳۸۵/۸/۱۸)

بنابراین می‌توان گفت امام و مقام معظم رهبری هویت ملی را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی می‌پذیرند. ولی به‌جای اصالت دادن صرف به عناصر مادی شکل‌دهنده هویت، اولویت را به عناصر فرهنگی و عقیدتی می‌دهند و به این ترتیب ضمن آنکه هویت ملی را هویتی تلفیقی و متشکل از دو بُعد اسلامیت و ایرانیت می‌دانند، بُعد نخست را بر بُعد دوم اولویت و برتری می‌دهند. از این‌رو با توجه به این واقعیت، می‌توان مؤلفه‌های شکل‌دهنده این هویت ملی تلفیقی را که برخی از آنها جنبه مادی دارند و برخی دیگر جنبه عقیدتی و فرهنگی از هم متمایز ساخته و بازشناسایی نمود.

### مؤلفه‌های هویت ملی از منظر امام و مقام معظم رهبری

منظور از مؤلفه‌های هویت ملی عواملی هستند که در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری دو بُعد هویت ملی را شکل می‌دهند. همان‌گونه که اشاره شد، هویت ملی در نگاه امام و مقام معظم رهبری تلفیقی از دو بُعد ایرانیت و اسلامیت می‌باشد. از این‌رو طبیعی است که از دیدگاه ایشان مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ملی نیز تلفیقی از مؤلفه‌های ایرانی و مؤلفه‌های اسلامی باشند. در واقع مؤلفه‌های هویت ملی را می‌توان به دو دسته مؤلفه‌های مادی و مؤلفه‌های غیرمادی تقسیم نمود، که البته با توجه به مسائل مطرح شده تردیدی نیست که مؤلفه‌های دسته دوم یعنی مؤلفه‌های عقیدتی و غیرمادی اولویت و برتری دارند. همین مسئله یعنی توجه به عوامل فرهنگی و غیرمادی در شکل‌دهی به هویت ملی، مورد توجه اجتماع‌گرایان نیز می‌باشد و آنها هم نقش عوامل فرهنگی را در شکل‌دهی به هویت برتر از عوامل مادی می‌دانند. در این قسمت، از خلال آثار امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری نگاهی به این مؤلفه‌ها انداخته می‌شود.

#### یک. بُعد ایرانیت

##### ۱. سرزمین

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین عنصر مادی شکل‌دهنده هویت هر ملتی سرزمین است. هیچ جمعیتی بدون داشتن سرزمینی که خاص آنها است به‌عنوان یک ملت شناخته نمی‌شوند. در واقع هویت ملی در وهله نخست یعنی احساس تعلق و وابستگی نسبت به یک سرزمین معین و مشخص، به‌همین دلیل برخی از محققان سرزمین را یکی از مؤلفه‌های اساسی شکل‌گیری هویت ملی در ایران می‌دانند و سرزمین را در کنار سه عامل دیگر، هسته سخت هویت ملی ایرانی معرفی می‌کنند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۷۹)

در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری نیز می‌توان تأکید بر عامل سرزمین به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین و مادی هویت ملی را مشاهده نمود. از این‌رو امام بر این مسئله تأکید می‌کنند که «حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور، مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۲۰۹) البته طبیعی است که با توجه به دیدگاه خاص امام و مقام معظم رهبری در مورد هویت ملی، سرزمین به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده به هویت ملی تا زمانی مورد پذیرش است که در مقابل اسلام قرار نگیرد؛

زیرا از دیدگاه ایشان آنچه اصالت دارد، مؤلفه‌های فرهنگی و عقیدتی هستند و مؤلفه‌های مادی شکل‌دهنده به هویت ملی، تنها تا جایی قابل‌پذیرش‌اند که در تضاد با این مؤلفه‌ها قرار نگیرند.

### ۲. زبان و ادبیات فارسی

زبان نیز همچون سرزمین از عناصر مادی شکل‌دهنده به هویت ملی است. زبان با آفرینش نظام معنایی قابل فهم در تعاملات اجتماعی، مهم‌ترین ابزار ارتباطی و عنصر فراگیر مشترک در هویت به‌شمار می‌رود. این عامل به‌عنوان یک نیروی انسجام‌بخش، نقش ویژه‌ای در بسترسازی فرهنگی و تحقق هویت ملی ایفا می‌کند. (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۲ - ۷۱) محققان، زبان فارسی را در کنار سرزمین، یکی مؤلفه‌های اساسی شکل‌دهنده به هویت ملی می‌دانند و معتقدند زبان فارسی همواره نقش ویژه‌ای در پایداری و حیات ایرانیان و وحدت ملی ایفا کرده است. در حقیقت زبان فارسی همیشه چون حلقه‌ای مریی و نامریی، هویت فرهنگی و ملی مردم ایران و اقوام آن را به یکدیگر پیوند داده و همچنان عامل اصلی وحدت ملی ایرانیان است. (فلاح، ۱۳۸۷: ۳۰ - ۳)

در راستای تأکید بر اهمیت زبان به‌عنوان یکی از عناصر شکل‌دهنده به هویت ملی، مقام معظم رهبری معتقدند «کشورهای مقتدر دنیا، تلاش می‌کنند که زبان خودشان را در دنیا ترویج کنند؛ چون زبان بزرگ‌ترین رقم یک ملت و کانال عمده انتقال فرهنگ اوست.» (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۱۳۷۲/۵/۲۲) ایشان همچنین می‌فرمایند: «زبان استخوان فقرات یک ملت است.» (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۸۴/۲/۱۲) امام نیز در آثار خود زبان فارسی را جزئی انفکاک‌ناپذیر از هویت ملی ایرانیان و دارای نقشی تعیین‌کننده در تکوین هویت ملی می‌دانند. بنابراین از دیدگاه ایشان زبان و ادبیات فارسی از جمله مؤلفه‌های هویت‌ساز است و به‌همین دلیل نیز ایشان نسبت به تلاش دشمنان برای تضعیف آن هشدار داده و از جمله کارهایی که از علاقمندان به هویت ملی ایرانی می‌خواهند، پاس داشتن زبان و ادبیات فارسی است. (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۸۳/۲/۲۸)

باین حال با توجه به نگاه ویژه ایشان به مقوله هویت ملی، زبان هم مثل سرزمین اصالت ندارد. در واقع، در قیاس با معیار عقیده و عوامل فرهنگی، نقش زبان، نقشی فرعی و حاشیه‌ای است و آنچه اصیل و مهم است، عنصر عقیده و فرهنگ می‌باشد.

### ۳. تاریخ مشترک

تاریخ آینه احساسات و فرهنگ افراد یک کشور است و شناخت آن بنیان استواری برای وحدت ملی فراهم می‌آورد. آگاهی از زوایای مختلف شکل‌گیری تاریخ کشور برای آیندگان ضرورت دارد، زیرا گذشته مشترک و حافظه مشترک تاریخی در بطن خود، آرزوها، غم‌ها، شادی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و یادهای مشترک فراوانی را نهفته است که از گران‌سنگ‌ترین رشته‌های پیوند افراد یک ملت به‌شمار می‌رود. (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۳)



امام و مقام معظم رهبری نیز بر اهمیت تاریخ در شکل‌گیری هویت ملی تأکید می‌ورزند و راه نفوذ و سیطره غرب را جدایی ملت‌ها از تاریخ‌شان می‌دانند. در همین راستا مقام معظم رهبری تأکید دارند که گذشته تاریخی ایران باید حفظ گردد «اگر یک ملت را از تاریخ‌اش جدا کردند، این ملت آماده خواهد شد که هرچه می‌خواهند بر سرش بیاورند.» (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۱۳۷۹/۸/۲۴) ایشان نقطه قوت ملت ایران را داشتن سابقه کهن و ریشه‌دار تاریخی می‌دانند: «دیگر نقطه قوت ملت ایران عبارت است از سابقه کهن و ریشه‌دار تاریخی که در آن تردیدی نیست.» (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۱۳۷۳/۱/۲۴)

بنابراین از نظر ایشان سابقه تاریخی مشترک، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت ملی می‌باشد. باین حال همان‌گونه که اشاره شد در اندیشه امام و مقام معظم رهبری مؤلفه‌های مادی فوق هرچند مورد تأیید هستند، اما مؤلفه‌های اصلی محسوب نمی‌شوند؛ بلکه مؤلفه‌های اصلی، فرهنگ اصیل اسلامی و عناصری است که ریشه در این فرهنگ دارند. ایشان بر خلاف کسانی که صرفاً بر عناصر مادی تأکید می‌کنند، معتقدند که اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. بر این پایه، ایشان فرهنگ را مهم‌ترین عنصری می‌دانند که در موجودیت جامعه دخالت دارد و با انحراف فرهنگ، هویت جامعه دچار آسیب جدی می‌شود و هویت جامعه تضعیف شده و موجودیت خود را از دست می‌دهد. در اینجا می‌توان مشاهده کرد دیدگاه اجتماع‌گرایان و دیدگاه امام و مقام معظم رهبری به هم نزدیک می‌شود؛ زیرا اجتماع‌گرایان نیز همان‌گونه که در بخش نظری اشاره شد در شکل‌گیری هویت ملی وزن و اهمیت را به مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی می‌دهند تا عنصر مادی. در ادامه به مؤلفه‌های عقیدتی و فرهنگی شکل‌دهنده به هویت ملی ایرانی - اسلامی خواهیم پرداخت.

## دو. بعد اسلامیت

دین یکی از عناصر پایدار و دائمی در همه تمدن‌هاست. در همه جوامع، دین نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت ملی داشته است. در ایران نیز دین همواره در شکل‌دهی هویت ملی نقش برجسته‌ای داشته است. به‌همین دلیل برخی از دین به‌عنوان یکی از عناصر اصلی شکل‌دهنده به هویت ملی ایرانی یاد می‌کنند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۷) در مطالعه هویت ملی ایرانیان، هرگز نمی‌توان از نقش دین غافل بود و باید آن را به‌عنوان عامل مهم ایجاد همبستگی اجتماعی و هویت ملی به‌شمار آورد. در اندیشه امام و مقام معظم رهبری دین نه‌تنها یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده به هویت ملی ایرانی است، بلکه مهم‌ترین عامل هم محسوب می‌شود. در واقع در اندیشه ایشان که برگرفته از آموزه‌های اصیل اسلامی است، آن عنصری که ملاک اصلی تقسیم‌بندی افراد بشر محسوب می‌گردد، معیار عقیده و مؤلفه‌هایی است که ریشه در این معیار دارند. در زیر به اختصار به بیان برخی از این مؤلفه‌ها می‌پردازیم:

## ۱. اسلام خواهی

یکی از مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ اسلامی، روحیه اسلام‌خواهی در میان ایرانیان است. در واقع، یکی از ویژگی‌هایی که تقریباً میان تمامی ایرانیان مشترک است، دین اسلام و وجود روحیه اسلام‌خواهی در میان آنهاست. شاید بتوان گفت که این مؤلفه مهم‌ترین مؤلفه‌ای است مردم ایران را به‌عنوان یک ملت به‌هم پیوند می‌زند. چنانچه امام، روحیه اسلام‌خواهی را مهم‌ترین وجه اشتراک ملت ایران معرفی می‌نماید. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴ / ۲۴۰)

مقام معظم رهبری نیز مسلمان بودن را مهم‌ترین ویژگی و وجه مشخصه هویت ملی - ایرانی می‌داند.

هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است. امروز دنیا ملت ایران را به مسلمانی همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدان‌های مختلف می‌شناسد. (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۷۳/۱/۲۴)

## ۲. عدالت خواهی

یکی دیگر از مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ملی که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد، روحیه عدالت‌خواهی است. هرچند عدالت‌خواهی یکی از مظاهر فرهنگی و روحیات ایرانی است که از دیرباز در این کشور وجود داشته است، اما با ورود اسلام به ایران و به‌ویژه پس از استقرار مذهب شیعه در ایران، روحیه عدالت‌طلبی و مبارزه با ظلم در فرهنگ ملی ایرانیان نهادینه شده و به یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت ملی آنها تبدیل گشته است. طبیعی است که در اندیشه سیاسی امام و مقام معظم رهبری که ریشه در اسلام و مذهب شیعه که هر دو به‌شدت عدالت‌طلب و ظلم‌ستیزند و هر دو استقرار عدالت و عدل را یکی از اهداف اصلی و بنیادین خود ذکر می‌نمایند دارد، مفهوم عدالت و روحیه عدالت‌طلبی نقشی برجسته در هویت ملی داشته باشد. به‌عنوان نمونه امام آنچه را که در روحیه ملت ایران تحت عنوان عدالت‌خواهی وجود داشت مورد تأکید قرار می‌دهند: «ملت برای اقامه عدل اسلامی و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۲ / ۵۱)

مقام معظم رهبری نیز، یکی از آرمان‌های انسان ایرانی را عدالت‌خواهی برمی‌شمارند و هدف مردم از انقلاب اسلامی و در حقیقت فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی را استقرار عدالت می‌دانند. (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۶۹/۳/۱۰)

به این ترتیب از نگاه امام و مقام معظم رهبری یکی از بنیان‌های هویت ملی - ایرانی، مسئله عدالت و عدالت‌خواهی است که هرچند از گذشته تا به حال در این سرزمین ریشه داشته، اما با ورود اسلام به ایران و به‌خصوص با گسترش مذهب تشیع در ایران، تقویت شده و تبدیل به عاملی بنیادین در هویت ملی ایرانیان گشته است.

### ۳. استکبارستیزی

یکی از آموزه‌های بنیادین اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع که شاید بتوان گفت به‌نوعی ریشه در مؤلفه قبلی یعنی طلب عدالت دارد، ایستادگی در مقابل ستمگران و مستکبران است. از همین رو با ورود اسلام به ایران و به‌خصوص پس از گسترش تشیع در ایران، این عنصر تبدیل به یکی از ویژگی‌های برجسته فرهنگ ایرانی شد. وجود روحیه استکبارستیزی در فرهنگ و هویت ایرانی باعث شده است مردم ایران همواره در مقابل رژیم‌های سیاسی که بر کشور حاکم شده‌اند، اما این روحیه در آنها وجود نداشته و رژیم‌های وابسته‌ای بودند، مقاومت نمایند. به همین دلیل باید یکی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی را وابسته بودن رژیم شاه و عدم وجود روحیه استکبارستیزی در این رژیم دانست.

در واقع یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی را باید استقرار یک نظام سیاسی غیروابسته و به‌معنای واقعی مستقل دانست. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، روحیه استکبارستیزی یکی از اصول بنیادین نظام جدید شد و در قالب قاعده نفی سبیل، به‌عنوان یک اصل هویتی نمایانگر گشت. به این ترتیب استکبارستیزی به‌عنوان یکی از اصول اسلامی و شیعی به یکی از مؤلفه‌های هویت ایرانی تبدیل شده است. در اندیشه امام و مقام معظم رهبری نیز این مؤلفه جایگاه برجسته‌ای در شکل‌دهی به هویت ملی دارد. به‌عنوان مثال مقام معظم رهبری در رابطه با این مؤلفه می‌فرماید:

ملت ایران در همه این میدان‌ها، بر اصول اسلامی پای خواهد فشرد. از جمله این اصول، ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه استکباری دولت‌هایی است که می‌خواهند در مسائل داخلی کشور ما، جای پای باز کنند و دخالت نمایند. (www.khamenei.ir، بیانات در ۱۳۷۶/۲/۱۷)

ایشان همچنین در جای دیگر، علت دشمنی آمریکا را فرهنگ استکبارستیزی مردم می‌دانند. (www.khamenei.ir، بیانات در ۱۳۷۶/۸/۱۴)

### ۴. دفاع از مظلومان و مستضعفان

همان‌گونه که اشاره شد یکی از مفاهیم بنیادین اسلام و مذهب تشیع، عدالت‌طلبی و مبارزه با ظلم است. به همین دلیل طبیعی است که دفاع از مظلومان و مستضعفان نیز به‌عنوان یک آموزه قرآنی برای مسلمانان حائز اهمیت باشد. و از آنجاکه اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری مبتنی بر آموزه‌های اسلام و تشیع است، بنابراین تردیدی وجود ندارد که بر دفاع از مظلومان و مستضعفان تأکید داشته و آن را یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت ملی ایرانی - اسلامی بدانند. به همین دلیل اصل حمایت از جنبش‌های انقلابی و مستضعفان جهان، تبدیل به یکی از اصول بنیادین نظام سیاسی‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی براساس اندیشه‌های ایشان تشکیل گردید، شد. امام همواره به لزوم دفاع از مظلومان توجه داشته و در این زمینه می‌فرماید: «ما طرفدار همه مظلومین در همه‌جا هستیم، و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند.»

(امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۹ / ۹۴) همچنین در جای دیگر فرموده‌اند: «کسی که تابع مذهب اسلام است، باید با ابرقدرت‌ها مخالفت کند و مظلومان را از زیر چنگال اینها بیرون بیاورد». (همان: ۱۳ / ۶۹)

مقام معظم رهبری نیز اصل دفاع از مستضعفین را اصلی می‌دانند که برگرفته از راه امام و اسلام بوده و ملت ایران پایبند به آن است.

ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ملت ایران براساس آن حرکت می‌کند، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است. (www.khamenei.ir، بیانات در ۱۳/۵/۱۳۶۸)

##### ۵. معنویت سیاسی

یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی - اسلامی که برگرفته از آموزه‌های اسلامی است و در اندیشه سیاسی امام و مقام معظم رهبری جایگاه ویژه‌ای دارد، مسئله اسلامی‌سازی نظام سیاسی و به‌عبارت دیگر ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر معنویت و آموزه‌های اسلامی می‌باشد. با توجه به نوع نگاه ایشان به سیاست، طبیعی است که «سیاست را عین دیانت» دانسته و تلاش کنند یک نظام سیاسی معنوی و اسلامی در ایران مستقر نمایند. نظام سیاسی‌ای که با نظام‌های مادی‌گرای موجود، کاملاً متفاوت و متمایز است و به همین دلیل می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای هویت ملی ایرانی - اسلامی در نظر گرفته شود. در واقع انقلاب اسلامی ایران با احیای معنویت‌گرایی سیاسی در مقابل دو گفتمان لیبرالیسم و کمونیسم قرار می‌گیرد و تبدیل به یکی از مؤلفه‌های هویت‌بخش و متمایزکننده فرهنگ ایرانی در مقابل سایر فرهنگ‌ها می‌گردد.

نظام جمهوری اسلامی برخلاف سکولاریسم، بر معنویت سیاسی و عقلانیت ارزشی تأکید دارد. از همین روست که امام تفاوت مکتب‌های مادی با مکتب اسلام را یادآور می‌شوند «رژیم اسلامی مثل رژیم‌های مکتب‌های مادی نیست که فقط همت رفاه داشته باشد، مکتب اسلام مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷ / ۱۶) و سپس اسلامی بودن رژیم سیاسی را از خواسته‌ها و باورهای ملت ایران می‌دانند: «ملت فریاد کردند که ما اسلام را می‌خواهیم، ما حکومت اسلامی می‌خواهیم، جمهوری اسلامی می‌خواهیم.» (همان: ۲۷)

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه چنین می‌فرمایند:

اساس انقلاب اسلامی هم بر انسان‌سازی است ... نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی‌کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را آباد کند، این یکی از وظایف حتمی اوست. اما در کنار این وظیفه، اقامه معروف، اقامه روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان آحاد ملت و احیای روح عزت و استقلال نیز جزو وظایف اسلامی است.

## الگوی هویت ملی مطلوب از منظر امام و مقام معظم رهبری

با توجه به مطالب پیش‌گفته، الگوی مطلوب هویت ملی و عناصر تشکیل‌دهنده این هویت را می‌توان در قالب جدول زیر ترسیم نمود:

مؤلفه‌های بعد ایرانییت هویت ملی: ۱. سرزمین مشترک ۲. زبان و ادبیات فارسی ۳. تاریخ مشترک	بعد ایرانییت	ابعاد هویت ملی
مؤلفه‌های بعد اسلامیت هویت ملی: ۱. اسلام‌خواهی ۲. عدالت‌خواهی ۳. استکبارستیزی ۴. دفاع از مظلومان و مستضعفان ۵. معنویت سیاسی	بعد اسلامیت	

## چالش‌های هویت ملی ایرانی - اسلامی از منظر امام و مقام معظم رهبری

چنان‌که در بحث نظری اشاره شد از منظر جامعه‌گرایان تهدیدات هویتی از یک‌سو ناشی از عدم توجه به خاص بودن و بومی بودن هویت ملی و از سوی دیگر تأکید قدرت‌های خارجی بر بسط و اعمال ارزش‌های هویتی فرهنگ خود به‌مثابه امری جهان‌شمول می‌باشد. درواقع تمامی هویت‌های ملی، به نوعی در معرض تهدیدات و چالش‌های داخلی و خارجی می‌باشند. این امر به‌خصوص در رابطه با هویت‌هایی که به شکلی نظام بین‌الملل و ارزش‌های حاکم بر آن را به چالش می‌طلبند، بیشتر نمود دارد. از این نظر و با توجه به این مسئله که هویت ملی ایرانی - اسلامی به‌نوعی یک هویت ملی و بومی و برخاسته از ارزش‌های اصیل اسلامی است، طبیعی است که با چالش‌هایی به‌خصوص از سوی خارج مواجه باشد. از این‌رو امام و مقام معظم رهبری همواره به این چالش‌ها عنایت داشته و در موارد مختلف در این خصوص هشدارهایی را متذکر شده‌اند. در ادامه به برخی از این چالش‌ها پرداخته خواهد شد.

## یک. سکولاریسم

بیش از دو‌یست سال است که سکولاریسم به تدریج در جهان اسلام، به‌ویژه حوزه مرکزی آن، خاورمیانه، رخنه کرده است. (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۵: ۱۹۵) پیامد طبیعی اندیشه و دولت سکولار، به حاشیه رفتن دین و سنت و مرجعیت دینی است. زیرا اندیشه سکولار عبارت از مخالفت با هرگونه مرجعیت دین در عرصه جامعه و سیاست و بی‌ارزش شدن سنت‌ها و پذیرش قوه عقل به منزله یگانه مرجع مستقل در تمام تصمیم‌گیری‌ها است. (همان: ۱۹۶) این در حالی است که یکی از شاخص‌های اصلی هویت ملی ایرانی - اسلامی و شاید اصلی‌ترین

شاخص آن از منظر امام و مقام معظم رهبری، بازگشت دین به عرصه سیاست یا معنویت سیاسی است. از این رو طبیعی است که سکولاریسم چالشی جدی برای هویت ایرانی - اسلامی باشد. به همین دلیل امام و مقام معظم رهبری همواره نسبت به خطر سکولاریسم هشدار داده و آن را تهدیدی جدی و اساسی برای هویت ایرانی - اسلامی می‌دانند. به‌عنوان مثال امام در اشاره به این مسئله می‌فرمایند:

یکی از امور مهمی که نقشه استعمار و سرسپردگان آن است، جدایی سیاست از دیانت است و گرفتاری مسلمین اکثراً بلکه همه، از این راه بیشتر بوده است تا راه‌های دیگر. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷ / ۱۳۸)

لذا رسوخ اندیشه‌های سکولار را باعث معلق ماندن و تعطیلی بسیاری از احکام الهی می‌دانند و به همین دلیل می‌فرمایند: «طرفداری مسلمانان از سکولاریسم و جدایی دین از سیاست، به منزله اعلان جنگ با اسلام است.» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۴۸۴) مقام معظم رهبری نیز نسبت به نفوذ تفکر سکولار در جامعه و به‌ویژه در حوزه‌های علمیه هشدار داده آن را از جدی‌ترین تهدیدات هویت ملی می‌دانند. (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۱۳۹۱/۹/۱۱)

#### دو. ناسیونالیسم افراطی

«اندیشه ناسیونالیسم به رشته‌ای از ارزش‌های غیردینی و هدف‌های سیاسی مخالف با اسلام‌یسم اشاره می‌کند.» (شرابی، ۱۳۶۹: ۵۹) همان‌گونه که اشاره شد در اندیشه امام، ملیت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی امری پذیرفته شده است. باین حال ایشان با هرگونه ایدئولوژی ملی‌گرایانه یا نژادپرستانه مخالف بوده و آن را رد می‌کنند. دلیل این مخالفت آن است که اساساً ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه با تأکید صرف بر عناصر مادی تشکیل‌دهنده هویت ملی و نیز اصالت دادن به ملیت، آن را تنها معیار تقسیم‌بندی دانسته و انسان‌ها را براساس این عناصر روبه‌روی یکدیگر قرار می‌دهند و این خلاف آموزه‌های اسلامی است. در واقع امام اصالت را به ملیت نمی‌دهند؛ بلکه آنچه در دیدگاه ایشان اصالت دارد، تقسیم‌بندی براساس عوامل فرهنگی و عقیدتی است. به همین دلیل ایشان تعریف هویت غیردینی برای انسان را موجب انحراف او از مسیر حرکت به‌سوی کمال و به بیراهه دانسته و با ملی‌گرایی افراطی که محصول سکولاریسم غربی است مخالفند و معتقدند «ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است». ایشان ملی‌گرایی افراطی که زائیده تجدد است و موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن هویت انسان به‌عنوان انسان می‌شود را مطرود می‌شمارند و در این راستا می‌فرمایند «نقشه کشورهای بزرگ در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب و ملت فارس از هم جدا کنند و اختلاف مابین آنها بیندازند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۴۳) از نگاه امام ناسیونالیسم و تأکید افراطی بر ملی‌گرایی باعث بی‌توجهی به هویت اسلامی می‌شود (همان: ۱۵ / ۴۷۲) امام ضمن اینکه ملی‌گرایی افراطی را مطرود می‌شمارند، اسلام‌گرایی را به‌جای ملت‌گرایی توصیه می‌کنند:

من امیدوارم که مسلمانان جهان گرفتاری‌های خود و منشا آن را به درستی بررسی کنند و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام در زیر پرچم پر افتخار آن از قید و بندهای استعمارگرانه رهایی یابند. (همان: ۱۰ / ۲۹۵)

رهبر انقلاب نیز ناسیونالیسم افراطی را خطری برای هویت ملی دانسته و بیان می‌کند:

نگذارد الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کنند. (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۱۳۹۰/۶/۲۶)

### سه. جهانی‌سازی فرهنگ سرمایه‌داری

آنچه که در جامعه امروزی بشر، به عنوان جهانی‌شدن اتفاق افتاده است، دارای دو بُعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. بُعد سخت‌افزاری آن، متأثر از ظهور تکنولوژی صنعت ارتباطات است. بُعد نرم‌افزاری جهانی‌شدن نیز، در واقع روح و ایدئولوژی جهانی‌شدن که همان ایدئولوژی سرمایه‌داری است را در عرصه‌های مختلف تشکیل می‌دهد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۲۹) جهانی‌شدن تمامی هویت‌های ملی را تحت‌تأثیر قرار داده و سعی در مسلط‌سازی فرهنگ و ارزش‌های سرمایه‌داری بر تمامی جهان و بر تمامی هویت‌های ملی داشته است. هرچند انقلاب اسلامی ایران و هویت ایرانی - اسلامی برآمده از آن را به نوعی می‌توان نوعی مقاومت در مقابل امواج جهانی‌شدن و ارزش‌های حاکم بر آن دانست، با این حال، همواره خطر جهانی‌شدن این هویت را تهدید می‌کند و یکی از چالش‌های اصلی پیش‌روی آن محسوب می‌گردد.

نگاه امام و مقام معظم رهبری به پدیده جهانی‌شدن نگاهی مبتنی بر تمایزگذاری میان عناصر و ابعاد مختلف این پدیده است. در واقع ایشان معتقدند که می‌توان میان جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهانی‌شدن تمایز گذاشت و در حالی که جنبه‌های سخت‌افزاری آن را مثبت می‌دانند از جنبه‌های نرم‌افزاری این پدیده به عنوان چالشی جدی برای هویت ایرانی - اسلامی یاد می‌کنند. در واقع ایشان با توجه به اینکه بعد سخت‌افزاری جهانی‌شدن را نتیجه رشد علمی و تکنولوژیک بشر می‌دانند، هیچ‌گونه مخالفتی با آن ندارند. به عنوان نمونه در این باره می‌فرمایند:

اساساً اسلام نه تنها جلوی رشد علمی و فکری بشر را نمی‌گیرد؛ بلکه خود زمینه‌های این حرکت را آماده‌تر می‌کند و به این حرکت جهت انسانی و الهی می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵ / ۴۰۸)

اما امام بُعد نرم‌افزاری جهانی‌شدن را در چالش با روح اسلامی و مبتنی بر درک نادرستی از انسان و جهان می‌دانند. در حقیقت از نگاه امام، چالش مهم جهانی‌شدن، چالشی فرهنگی در جهان معاصر است که بین فرهنگ الهی و مادی در عرصه جهانی در جریان است (همان: ۸ / ۱۰۸) بر همین اساس ایشان معتقدند، جهانی‌سازی مطلوب می‌بایست بر اساسی سامان یابد که بر درک درستی از انسان و نیازهای او استوار باشد. مقام معظم رهبری نیز ضمن تأکید بر لزوم تمایز میان جنبه‌های مختلف جهانی‌شدن برخی از این جنبه‌ها را مطلوب و برخی دیگر را نوعی تهدید نسبت هویت ملی می‌دانند. (www.khamenei.ir، بیانات در ۱۳۸۸/۲/۲۷)

## چهار. محتویات و تولیدات رسانه‌های غربی

رسانه، زبان گویا و غیرقابل کنترل عصر ماست. رسانه‌ها می‌توانند به پدیده‌ها، حوادث، رفتارها محتوا و معنای خاص خود را اعطا کنند و از رهگذر انتقال این معنی و محتوی، بر مصرف‌کننده تأثیرات ژرفی بگذارند. (تاجیک، ۱۳۸۷: ۵۳) نگاه امام و مقام معظم رهبری به رسانه‌ها شبیه نگاه ایشان به جهانی‌شدن است. یعنی درواقع هم رسانه‌ها را دارای جنبه‌های مثبت برای هویت ملی می‌دانند و هم دارای جنبه‌های منفی و تهدیدکننده. به عبارت دیگر از نگاه ایشان از رسانه‌ها هم می‌توان در جهت تحکیم هویت ملی استفاده نمود و هم آن را می‌توان چالشی جدی برای این هویت تلقی کرد.

از این رو مقام معظم رهبری در رابطه با خطر رسانه‌های بیگانه و تبلیغات آنها برای ارزش‌های دینی می‌فرمایند: «امروز دین مسلمانان به وسیله تهاجم فرهنگی دشمن که غالباً با ابتکار قدرت‌های ضد اسلامی و به کمک تبلیغات و رسانه‌های آنان و غیر آن انجام می‌گیرد در خطر است». (www.khamenei.ir، سخنرانی در ۱۳۷۳/۲/۲۵)

## نتیجه

هدف نوشتار حاضر با بهره‌گیری از نظریه جامعه‌گرایی، پاسخ دادن به این پرسش اصلی بود که ابعاد، مؤلفه‌ها، و تهدیدات هویت ملی از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری چیست و چگونه می‌توان بر مبنای دیدگاه ایشان، تحلیل بومی نسبت به موضوع هویت، عوامل تهدیدزای آن و همچنین نحوه مقابله با این تهدیدات ارائه نمود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که می‌توان با نظریه جامعه‌گرایی، نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری را به مسئله هویت ملی مورد بررسی و واکاوی قرار داد. همان‌گونه که براساس نظریه جامعه‌گرایی، هویت‌ها اموری اجتماعی هستند و از طریق دل‌مشغولی‌ها و ارتباطات با اشخاص دیگر که برای ما اهمیت دارند، شکل گرفته و حفظ می‌شود، از دیدگاه ایشان نیز هویت ملی از طریق زندگی در اجتماع و ارتباط با سایر اشخاص و براساس مجموعه‌ای از عناصر و مؤلفه‌ها، به‌ویژه مؤلفه‌های اعتقادی و فرهنگی، ساخته شده و حفظ می‌گردد. بعلاوه همان‌گونه که در دیدگاه جامعه‌گرایی بر «موقعیت‌مندی» تأکید می‌شود و در واقع تأکید بر این است که هیچ اصل جهان‌شمولی نمی‌تواند محرک همه خیرها و منافع در همه جوامع باشد و همه فرهنگ‌ها و هویت‌ها به‌نوبه‌خود ارزش و اصالت دارند و همچنین به بهانه پیشرفت و مدرن ساختن و توسعه نباید ارزش‌های خاصی مانند فردگرایی و اصالت‌فایده را جهان‌شمول جلوه داد، در دیدگاه امام و مقام معظم رهبری نیز هویت ملی هر جامعه‌ای دارای مؤلفه‌های ویژه و منحصربه‌فرد خود بوده که با توجه به «موقعیت و شرایط خاص» آن جامعه شکل گرفته و به همین دلیل هم ایشان بر امکان و لزوم شکل‌گیری نوعی هویت



ملی و بومی که مبتنی بر ارزش‌های برآمده از خود جامعه ایرانی باشد، تأکید می‌ورزند. به اعتقاد ایشان اهمیت چنین هویت بومی و اصیلی تا آن حد است که استقلال واقعی کشورها بدان وابسته است و بدون آن امکان استقلال واقعی برای کشورها وجود ندارد.

در انگاره رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران، هویت ملی، گذشته از عناصر عینی و تمدنی (مؤلفه ایرانی‌ت) عمدتاً امری اعتقادی و فرهنگی (مؤلفه اسلامیت) است، به این معنا که مرزهای جغرافیایی و یا تعلق به گروه‌های نژادی خاص را بر نمی‌تابد و عنصر عقیده، همه گروه‌ها و نژادها را از ملت‌های مختلف، تحت لوای مفهوم امت قرار می‌دهد. بنابراین خواهان این هستند که بنابه اعتبار فطرت واحد انسانی و جهان‌شمولی اسلام، همه افراد انسانی را تحت لوای اسلام و درون یک واحد اجتماعی به نام امت اسلام دریاورند.

باین‌حال بنابه واقعیت جهانی و وجود دولت - ملت‌ها ایشان در هنگام تعریف هویت ملی ایرانی اذعان دارند که هویت ملی از دو بعد ایرانی‌ت و اسلامیت تشکیل شده است که بعد ایرانی‌ت آن باعث می‌شود فرد ایرانی، مؤلفه‌های هویتی خود را از فرهنگ و تمدن ایرانی بگیرد. در بعد اسلامیت نیز فرد ایرانی عناصر هویتی خویش را از فرهنگ قرآنی و اسلامی اخذ می‌کند. از این‌رو این جهت‌گیری‌ها چنان‌که در متن پژوهش توضیح داده شد با رویکرد جامعه‌گرایان که عمدتاً بر اصالت و دیرینگی و فهم مشترک یا بین‌الذهانی هویت ملی جهت ایجاد همبستگی ملی و مقابله با تهدیدات بیرونی تأکید دارند، بهتر قابل تبیین و توضیح می‌باشد.

## منابع و مأخذ

### الف) کتاب‌ها

۱. احمدی، حمید، ۱۳۹۰، *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. افتخاری، اصغر و قدیر نصری، ۱۳۸۳، *روش و نظریه در امنیت پژوهی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۳، *کوثر (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی علیه‌السلام)*، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، *صحیفه نور: مجموعه آثار امام خمینی علیه‌السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۵. دلاوری، ابوالفضل، ۱۳۸۶، *شهر، هویت و سیاست در ایران معاصر*، در: *ایران، هویت، ملیت، قومیت*، تهران، نشر مؤسسه تحقیقات در توسعه علوم انسانی.
۶. شرابی، هشام، ۱۳۶۹، *روشنفکران عرب و غرب*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۷. فوزی تویسرکانی، یحیی، ۱۳۸۴، *امام خمینی علیه‌السلام و هویت ملی*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. مک اینتایر، تیلور و والزر، ۱۳۸۵، *گزیده اندیشه‌های سندل*، جمعی از مترجمان، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

(ب) مقالات

۹. آل غفور، سیدمحسن، ۱۳۸۸، «الگوی اجتماع‌گرایی و تکرر سنت‌های فکری سیاسی ایران معاصر»، فصلنامه سیاست، شماره ۲، ص ۲۱ - ۱.
۱۰. ابوالحسنی، سید حسن، ۱۳۸۷، «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی»، فصلنامه سیاست، ش ۴.
۱۱. امام جمعه‌زاده، سید جواد و نادیا همگان مراد، ۱۳۹۲، «حفظ هویت ایرانی اسلامی در عرصه جهانی سازی بر مبنای تئوری سازه‌انگاری»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۴، پاییز ۴۸ - ۲۹.
۱۲. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۷، «رسانه و بحران در عصر فرا واقعیت‌ها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱، ص ۸۳ - ۵۱.
۱۳. حاجی‌حیدری، حامد، ۱۳۸۴، «چشم‌انداز کلی به اجتماع‌گرایی»، فصلنامه راهبرد، ش ۳۵.
۱۴. رضایی، سیدمحمد و محمدصادق جوکار، ۱۳۸۸، «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی ج.ا. ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شماره ۴، ص ۸۸ - ۵۳.
۱۵. زهیری، علیرضا، ۱۳۸۴، «چیستی هویت ملی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۹، ص ۵۰ - ۲۹.
۱۶. فلاح، مرتضی، ۱۳۸۷، «نقش زبان فارسی در گسترش هویت ملی و فرهنگی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۳۰ - ۳.
۱۷. مهدوی‌زادگان، داود، ۱۳۸۵، «بحران سکولاریسم در جهان اسلام»، علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۲، ص ۲۲۰ - ۱۹۵.

(ج) منابع انگلیسی

18. Bachvarova and Moore, 2006, *Liberalism, communitarianism and the politic of identity*, New York University, Toronto. p. 18.
19. Bender, J. And Dilipmoojee, 2008, *Communitarian Versus Universalic Norms*, Quarterly journal of political science. 1-2.
20. Deaux, K, 2001, *Social identity*, City university of New York.
21. Lenard, P. T, 2004, *Communitarianism and communitarian critiques of liberalism*, Political philosophy lectur 8.
22. Olson, E. T., 2002, "Personal Identity", in The Stanford Encyclopedia of Philosophy Edward N. Zalta, ed. URL = [http://plato.stanford.edu/archives/fall2002/entries/identity\\_personal](http://plato.stanford.edu/archives/fall2002/entries/identity_personal).
23. Spierberger, S. and Ungersböck, M., 2005, "National identity", [www.unet.univie.ac.at/.../ National%20Identity](http://www.unet.univie.ac.at/.../National%20Identity).
24. [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir). (سایت مقام معظم رهبری)

دور الإمام الخميني عليه السلام في تحقيق تفوق الخطاب الإسلامي في خضم الثورة الإسلامية في إيران<sup>١</sup>مسعود اخوان كاظمي<sup>٢</sup> / سيد شمس الدين صادقي<sup>٣</sup> / رضا دهقاني<sup>٤</sup>

**الخلاصة:** انتصار الثورة الإسلامية في إيران ودور الإمام الخميني عليه السلام في قيادة هذه الثورة وتصديده لزم نضال القوى الثورية في ساحة كانت تتنافس فيها خطابات مختلفة وتفوق هذا الخطاب على سائر الخطابات التي كانت سائدة في الساحة الإيرانية، دفع إلى إثارة هذا السؤال وهو: كيف استطاعت قيادة الثورة توجيه الخطاب الإسلام لمواجهة الخطابات السائدة وتحويله إلى الخطاب الوحيد المتفوق بين الخطابات المنافسة؟

يحاول هذا البحث عن طريق الإجابة عن هذا السؤال الأساسي، من خلال الإطار النظري لتحليل الخطاب المعروف باسم تحليل «لاكلا و موف»، إثبات أن الخطاب الإسلامي، قد استطاع بفضل قوة وكفاءة دعائه السياسيين، وخاصة قيادة الإمام الخميني عليه السلام وما يتسم به من قدرات متميزة، أن يتحول إلى خطاب متفوق وأن يطبع الإنتصار الثوري بطابع إسلامي بامتياز.

**الكلمات المفتاحية:** تحليل الخطاب، الخطاب الإسلامي، قيادة الثورة، الإمام الخميني عليه السلام، التفوق الخطابي.

## دراسة للأبعاد، والمكونات والمخاطر التي تهدد الهوية الإيرانية - الإسلامية

من وجهة نظر الإمام الخميني عليه السلام والمرشد الأعلى للثورة الإسلاميةعلى رضا سميعي اصفهاني<sup>٥</sup> / ابوذرفيقي قهساره<sup>٦</sup> / نسبية نوري<sup>٧</sup>

**الخلاصة:** هناك نظريات متعددة طرحها منظرون حول ماهية الهوية الوطنية والعناصر المؤثرة في صياغتها وتحولها. ومع ذلك فإن جميع هذه النظريات والآراء تشترك في القول إن الهوية الوطنية نوعاً «من التمايز الواعي للذات عن الآخرين». يسعى هذا البحث من خلال الاستعانة بالاتجاه الاجتماعي وعلى أساس المنظومة الفكرية والمعرفية للإمام الخميني عليه السلام ومرشد الثورة الإسلامية للإجابة عن التساؤلات الثلاثة التالية حول الهوية الوطنية للإيرانيين وهي: أولاً: ما هي أبعاد الهوية الوطنية؟ وثانياً: ما هي المكونات التي تنطوي عليها هذه الأبعاد؟ وثالثاً: ما هي العوامل التي تهدد المكونات المذكورة وكيف يمكن مواجهتها من خلال الاستعانة بالقدرات التي تتسم بها الهوية الوطنية؟ و مما يراه هذا البحث هو أن الاتجاه الاجتماعي بما يتسم به من خصائص، له قدرة على تبين موضوع هذا البحث.

**الكلمات المفتاحية:** الهوية الوطنية، الهوية الإيرانية - الإسلامية، الإمام الخميني عليه السلام، المرشد الأعلى للثورة الإسلامية.

١. بحث مُستل من رسالة جامعية.

٢. عضو الهيئة العلمية في قسم العلوم السياسية، جامعة الرازي.

٣. استاذ مساعد في قسم العلوم السياسية، جامعة الرازي.

٤. ماجستير في العلوم السياسية.

٥. عضو الهيئة العلمية في قسم العلوم السياسية، جامعة ياسوج.

٦. عضو الهيئة العلمية في قسم العلوم السياسية، جامعة ياسوج.

٧. طالبة ماجستير في العلوم السياسية، جامعة ياسوج.

mak392@yahoo.com

sadeghi118@yahoo.com

Reza.dehghani@live.com

asamiei@yu.ac.ir

rafiei\_aboozar@yahoo.com

nasibe.noori@yahoo.com

## دور النظرية الثقافية للإمام الخميني (ع) في فهم الثورة الإسلامية

سيد محمد حسين هاشميان<sup>١</sup> / مجتبي نامخواه<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** لفهم المنهجى للآراء الثقافية للإمام الخميني (ع) أنما يُتاح لمن يطلع على القضايا المختلفة التي طرحها سماحته في مواضيع ثقافية متنوعة، حيث يتسنى له حينها استنباط الهيكلية النظرية لهذه الرؤى. ثم يحاول على أساس الوجه المتميز الذي تتفرد به هذه الهيكلية، صياغة الآراء الثقافية للإمام الخميني (ع) على نحو نظرية ثقافية متناغمة. يحاول هذا البحث أن يتوصل ابتداءً بأسلوب وصفى تحليلي وعن طريق توظيف الاطار الذي وضعه فيليب سميث<sup>٣</sup> لغرض دراسة أية نظرية ثقافية، للتعرف على الآراء الثقافية للإمام الخميني (ع) مع التركيز على اعادة صياغة ما دعى إليه من رؤى تجديدية ومفاهيم تفرد بوضعها. ثم يحاول هذا البحث الاستدلال على ان الاطار الذي تمّ التوصل إليه حول النظرية الثقافية للإمام الخميني (ع)، يوفر الظروف والمستلزمات لفهم الثورة الإسلامية.

**الكلمات المفتاحية:** الثقافة، النظرية الثقافية، الإمام الخميني (ع)، الإسلام الثوري، الإنسان الثوري.

## معالم الفكر السياسي للإمام الخميني (ع)

(في ثلاثة ميادين: الفلسفة السياسية، والفقه السياسي، والأخلاق السياسية)

على اكبرى معلم<sup>٤</sup>

**الخلاصة:** يرمى هذا البحث الى تبين وتأطير معالم الفكر السياسي للإمام الراحل في ثلاثة ميادين، وهي: الفلسفة السياسية، والفقه السياسي، والأخلاق السياسية. جرى في هذا البحث تسليط الضوء على إجابات سماحة الإمام الخميني (ع) عن تساؤلات أساسية حول الفلسفة السياسية، والفقه السياسي، والأخلاق السياسية على أساس نموذج التقسيم الثلاثي للإسلام وفي اطار فكر الإمام، حيث جرى تعيين وتعريف معالم كل قسم منها. وكان من المعطيات التي توصل إليها هذا البحث أنه وفقاً لمنظومة فكر الإمام، هناك بين هذه الأقسام الثلاثة المذكورة أنفاً علاقة منطقية ذات دلالة، وأى كمال أو نقص يلحق بأى منها يلحق بالآخرى، وفي ما عدا ذلك لا يتحقق المجتمع المنشود. وكذلك في ضوء الرؤية المنظومية للإمام، لا يتحقق فهم كامل لفكره السياسي إلا بفهم الأقسام الثلاثة المُشار إليها في ما سبق. ومما يميّز به هذا البحث، يمكن الإشارة الى أنه تناول الفكر السياسي للإمام بما يتطابق مع منظومته الفكرية وبالنحو الذي كان يرمى إليه مع تعيين المؤشرات التي يختص بها كل قسم.

**الكلمات المفتاحية:** الفكر السياسي، الإمام الخميني (ع)، الفلسفة السياسية، الفقه السياسي، الأخلاق السياسية، المعالم.

hashemi1401@gmail.com

namkhahmojtaba@gmail.com

3. Philip Smith.

enghelabe.eslamii@gmail.com

١. استاذ مشارك في جامعة باقر العلوم (ع).

٢. ماجستير في علم الاجتماعى للمسلمين.

٤. استاذ مساعد في المعهد العالى للعلوم والثقافة الإسلامية.

### مكانة مبدأ التكليف في الفكر السياسي للإمام الخميني رحمته الله

سيد مرتضى هزاوه اي<sup>١</sup> / سكينه سلطاني بيرامي<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** حاول هذا البحث الإجابة عن هذا السؤال: ما هي مكانة مبدأ التكليف في الفكر السياسي للإمام الخميني رحمته الله؟ ولغرض التوصل الى الأهداف التي يرمى إليها هذا البحث، فقد اتّبع الأسلوب الوصفي - التحليلي لفهم أبعاد التكليف، و أركان ادائه التكليف والعلاقة بين التكليف والنتيجة في الفكر السياسي للإمام رحمته الله. تتمّ معطيات البحث عن أنّ التكليف يمثل المكوّن الرئيسي للفكر السياسي للإمام رحمته الله على الصعيدين النظري والعملية. غير أن القضية الأساسية في هذا البحث، هي طبيعة العلاقة بين التكليف والنتيجة حيث أتضح في سياق البحث أن مبدأ التكليف عند الإمام رحمته الله لا يعني عدم الإهتمام بالنتيجة، وإن كان المبدأ الأساسي في فكره السياسي هو العمل بمبدأ التكليف، وأما النتيجة فهي تكمن في العمل بالتكليف.

**الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني، التكليف، مبدأ التكليف، مبدأ النتيجة، الحق.

### الأسس الفقهية لحفظ النظام في الفكر السياسي للإمام الخميني رحمته الله

محسن ولايتي<sup>٣</sup>

**الخلاصة:** من المباحث المهمة في الفكر السياسي، حفظ النظام. لقد درس هذا البحث مبادئ حفظ النظام الإسلامي في فكر الإمام الخميني رحمته الله على أساس المنهج الوصفي وتحليل مكونات الفقه الحكومي. في فكر الإمام رحمته الله توظّف الأحكام السياسية في سبيل حفظ الدين وازدهاره والنظام سلطة لتطبيق الأحكام الدينية، والمرونة في بعض الحالات والظروف تأتي من باب الإضطرار واستناداً الى اصول ومحدوديات استثنائية يُعمل بها بشكل مؤقت. وهو يعتبر حفظ النظام من أهمّ الواجبات، وعند حصول تعارض أو تزاخم مع الأحكام الاخرى، يصبح حفظ النظام مقدماً على الأحكام الاخرى من باب تقديم الأهمّ على المهم لوجود حكم حكومي بترجيح مصلحة النظام، كحكم ثانوي.

**الكلمات المفتاحية:** حفظ نظام، الإمام الخميني رحمته الله، المصلحة، الحكم الحكومي، الأهمّ والمهم، الحكم الثانوي.

sm.hazavei@yahoo.com

١. استاذ مساعد في قسم العلوم السياسية، جامعة بوعلی سینا.

soltanisakine@yahoo.com

٢. طالبة ماجستير في العلوم السياسية، جامعة بوعلی سینا.

٣. استاذ مساعد في قسم الفقه ومبادئ الحقوق الإسلامية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع سبزوار.

m.velayati52@yahoo.com

## نموذج الثقة السياسية؛ رأى الإمام الخميني عليه السلام نموذجاً: في ضوء نظرية التجذير (GT)

سيد جواد امام جمعه زاده<sup>١</sup> / راضية مهراي كوشكي<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** علاقة المتبادلة بين الفرد والنظام السياسي في المجتمع ترتبط بالنظرة الايجابية التي يحملها الأفراد تجاه النظام السياسي والتمتددي للسلطة في المجتمع. إن دراسة العوامل التي تؤدي إلى بناء هذه العلاقة من الثقة أو الانتقاص منها، تتطلب الالتزام بمعايير خاصة بكل ارضية وظروف اجتماعية. وفي هذا البحث محاولة لصياغة هذه الفكرة ضمن نموذج انطلاقاً من وجهة نظر الإمام الخميني عليه السلام. يبدو أن حضور الإمام الخميني عليه السلام في الساحة السياسية والاجتماعية الإيرانية ووعيه ومعرفته بقواعدها يحمل بين ثناياه قيمة فائقة حول قضية الثقة السياسية. ويحاول هذا البحث اتخاذ نظرية التجذير أساساً لصياغة نموذج الإمام الخميني عليه السلام في هذا المجال. وفي هذا السياق جرى تقصي ما دُوّن من اقواله وكلماته في الكتاب المعروف بصحيفة الإمام كمصدر ثرّ، وفي ضوء الاستراتيجية التي تضعها نظرية التجذير في التحقيقات النوعية أجريت ثلاثة مراحل وهي: التفسير (التقييم) المفتوح، والمحوري، والانتقائي على معطيات النص. كما صُوّرت أيضاً نظرية الإمام الخميني عليه السلام حول مفهوم الثقة السياسية في اطار مثال نموذجي. **الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني عليه السلام، الثقة السياسية، رأس المال الإجتماعي، الثقة المنتجة، نظرية التجذير.

## استراتيجيات الإمام الخميني عليه السلام في إدارة الدفاع المقدس

حسين ارجيني<sup>٣</sup> / زهراء عبداللهي<sup>٤</sup>

**الخلاصة:** لقد انتصرت الثورة الإسلامية في ايران على خلاف إرادة القوى السلطوية. وواجهت منذ اشراق فجرها أنواعاً من المخططات التأميرية الهادفة الى الإطاحة بها، غير أن قيادة الإمام الخميني عليه السلام وحضور الجماهير الثورية الواعية أحبطت هذه المؤامرات. وعندما وجدت القوى السلطوية نفسها عاجزة عن تغيير مسار الثورة، حاولت القضاء على هذه الثورة عن طريق شن الحرب المفروضة بواسطة شخص مثل صدام. يهدف البحث الذي بين أيديكم الى التعرف على الإستراتيجيات التي اتبعتها مؤسس الجمهورية الإسلامية، سماحة الإمام الخميني عليه السلام في إدارة الحرب المفروضة. وحاول هذا البحث أيضاً التوصل الى الدور الإداري الذي اضطلع به سماحته في توجيه دفة الدفاع المقدس؛ لقد كان الإمام يتبع استراتيجيات مثل: الرقابة والإشراف الأمني والإستخباري على شؤون الحرب، والإشراف على أداء المسؤولين وعمل المطبوعات، مع الإلتزام بقواعد اتخاذ القرارات، ومجاهاة عناصر الإعاقة والعرقلة في الداخل، إضافة الى الدعم المعنوي والثقافي للمقاتلين، وبذلك استطاع إدارة دفة الحرب المفروضة، وأحبط محاولات الأعداء وصدّهم عن تحقيق مآربهم. **الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني عليه السلام، الثورة الإسلامية، الدفاع المقدس، الاستراتيجيات، الجمهورية الإسلامية.

javademam@yahoo.com  
mehrabraziye@gmail.com  
arjini4@gmail.com  
abasaleh.mahdi1986@yahoo.com

١. استاذ مشارك في قسم العلوم السياسية، جامعة اصفهان.  
٢. طالبة دكتوراه في العلوم السياسية، جامعة اصفهان.  
٣. استاذ مساعد في جامعة المعارف الإسلامية.  
٤. طالبة ماجستير في جامعة المعارف الإسلامية.

## امكانية ودلالة تأثير «الإسلام» في بلورة «الثورة الإجتماعية»

(ردود على انتقادات أثرت حول التجربة المعرفية - التاريخية للإمام الخميني رحمته الله في الثورة الإسلامية)مهدي جمشیدی<sup>١</sup> / مجتبی زارعی<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** يتناول هذا البحث واحدة من القراءات التجديدية التي أثرت بشأن الثورة الإسلامية في إيران ومدى تأثير الإمام الخميني رحمته الله فيها؛ حيث جرى نقد هذه القراءة وتفنيدها. عرض الباب الأول من هذا البحث إشكالية عدم التوافق بين مفهومى «الإسلام» و «الثورة» وقد طرحت فيه ثلاثة أمور وهى: عدم اجتماع «الإسلام» و «الثورة» بسبب انتماء كل واحد منهما الى معنى مغاير عن المعنى الذى ينتمى إليه الآخر، فهناك النزعة المحافظة فى الإسلام وقواه الإجتماعية والبنائية التنسكية المنبثقة من الإيمان بالقضاء والقدر. ثم شرح بعد ذلك اشكالية منشأ وماهية الخطاب «الإسلامى السياسى». التساؤل الأساسى الذى يطرحه هذا البحث هو هل القراءات المتجددة والقائمة على العلوم الإنسانية العلمانية من مفهومى الثورة والإسلام السياسى، تتطابق وتتناسب مع ما تحقق فى الثورة الإسلامية وفى تفكير وعمل الإمام الخميني رحمته الله؟ وفى اطار التحليلات النظرى والتجريبية، تمّ التوصل الى هذه النتيجة وهى أن دراسة الثورة الإسلامية والتأثير السياسى للإمام الخميني رحمته الله فى قالب التوجهات التجديدية، تفسح المجال أمام تحريف حقيقة وماهية الثورة الإسلامية. **الكلمات المفتاحية:** الثورة الإسلامية فى ايران، الإمام الخميني رحمته الله، الإسلام السياسى، التجديد، العلمانية.

مُلزِمات العدالة والحرية فى الفكر السياسى للإمام الخميني رحمته اللهعلى اخترشهر<sup>٣</sup>

**الخلاصة:** للحكومات أهداف و مقاصد تتناسب مع ماهياتها وتوجهاتها، وهى تسعى فى سبيل تحقيقها. والدين الإسلامى، يعترف بالعدالة والحرية. وهناك فى نصوص وأدبيات المفكرين المسلمين وخاصة فى العصر الحديث اهتمام وتركيز على هذه القضايا. يرى سماحة الإمام الخميني رحمته الله، أن الأهداف النبيلة للحكومة الإسلامى تحلّق بجناحى العدالة والحرية. ومن جملة ما تستلزمه العدالة بناء الدين، والقانون والمجتمع على العدالة، والتربية وتهذيب الإنسان والحكومة. ومما يستلزمه تطبيق العدالة أيضاً ثلاثة أمور، وهى: كتابة القانون على أساس العدالة، وتنفيذ القوانين على أساس العدل، والإشراف والرقابة العادلة على تنفيذ القوانين. وعلى صعيد آخر اذا استطاعت الحكومة تطبيق العدالة والحرية سوية فى المجتمع، نجد أمامنا مجتمع تغمره السكينة والتألف والوحدة والتلاحم بين أفرادها. **الكلمات المفتاحية:** العدالة، الحرية، الفكر السياسى، الإمام الخميني رحمته الله.

m.jamshidi.60@gmail.com  
netghooghnuos@gmail.com  
akhtarshahr@yahoo.com

١. عضو الهيئة العلمية فى المعهد العالى للثقافة والفكر الإسلامى.  
٢. استاذ مساعد فى المعهد العالى للعلوم الإنسانية والدراسات الثقافية.  
٣. استاذ مساعد فى الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع لاهيجان.

## دراسة مقارنة للأفكار السياسية للعلامة النائيني رحمته والإمام الخميني رحمته؛ التأثر بالأزمات المعاصرة مثلاً

سيد جلال موسوي شرباني<sup>١</sup> / حسن صالحى<sup>٢</sup> سيد حسين عليانسان<sup>٣</sup>

**الخلاصة:** يرمى هذا البحث إلى إجراء دراسة مقارنة بين الأفكار السياسية لفقيهين شيعيين بارزين هما: العلامة النائيني والإمام الخميني رحمته في إطار نظرية الأزمة لتوماس سبرينغز. يبين هذا البحث أن أبرز جوانب الاشتراك بين نظريتهما السياسية تتمثل في طبيعة تفسيرهما لمصدر السلطة السياسية والدفاع عن كيان الإسلام، والايمان بدور الشعب في تحقيق النظام السياسى، والارادة الشعبية في تحقيق الأهداف الإلهية، واما أوجه الافتراق بينهما فتتلخص في مواضيع مثل مبنى المشروعية، وماهية الحكم، ونطاق تصرف وسلطة الفقهاء وطبيعة النظرة السائدة. ويتضح من خلال المقارنة بين هاتين النظريتين في ضوء نظرية الأزمة لاسبرينغز، أن هذا التفاوت بينهما يُعزى إلى أزمات عصرهما، وان كل واحد من هذين المفكرين قد تأثر بالظروف والأزمات التي كانت طاغية في عصره، وهذا ما جعل كل واحد منهما يطرح حلولاً مختلفة. وهذا أدى إلى اختلاف آراء كلٍ منهما في نظريته السياسية. **الكلمات المفتاحية:** الفكر السياسى للعلامة النائيني، الفكر السياسى للإمام الخميني رحمته، توماس سبرينغز، نظرية الأزمة.

### أضواء على الفكر السياسى للإمام الخميني رحمته

بهنام بهارى اودلو<sup>٤</sup> / مهدي بخشى شيخ احمد<sup>٥</sup>

**الخلاصة:** الموضوع الأساسى لهذا البحث تقديم رؤية معرفية ومنهجية عن الفكر السياسى عند الإمام الخميني رحمته واستخدام النظرية لتحليل الفكر السياسى. يحاول هذا البحث وضع تنظيم نظرية لما يحفل به الفكر السياسى للإمام الخميني رحمته من مراحل التعرف على المشاكل وتشخيصها، وتقصى أسبابها، وإيجاد الحلول لها، مع بيان الأهداف والتطلعات. واستناداً إلى ما توصل إليه هذا البحث، فإن المشكلة الأساسية التي يواجهها الشعب الإيرانى كما يرى الإمام الخميني رحمته هي الاستبداد الداخلى والاستعمار الخارجى. كما يعتبر الانحطاط الفكرى والاعتقادى الذى يعيشه المسلمون هو السبب الأساسى الذى أدى إلى وقوع المسلمين فى مثل هذه المشاكل، واما الغاية المنشودة الكفيلة بانهاء هذه المشاكل فهي اقامة حكم إسلامى. وفى الختام يعلن ان الطريق الوحيد الكفيل باقامة الحكم الإسلامى والتخلص من الاستبداد الداخلى والاستعمار الخارجى فهو الثورة. **الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني رحمته، الفكر السياسى، سبرينغز.

١. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة الفنون الإسلامية، تبريز. j.sharabiani@tabrizau.ac.ir
٢. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة الفنون الإسلامية، تبريز. h.salehi@tabrizau.ac.ir
٣. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة تبريز. olyanasab@tabrizu.ac.ir
٤. هذا البحث مُستل من اطروحة تحت عنوان «الجغرافية السياسية للفكر السياسى الشيعى فى الشرق الأوسط»، أنجزت بدعم مالى من قبل الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع اردبيل.
٥. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع اردبيل. bahariodlobehnam@yahoo.com
٦. مدرّس فى قسم المعارف الإسلامية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع اردبيل. mbakhshi79@gmail.com



دور مراجع التقليد وعلماء الطراز الأول في حركة الإمام الخميني عليه السلام والثورة الإسلاميةمهدي ابوطالبي<sup>١</sup>

**الخلاصة:** من القضايا التي طالما كانت موضع تساؤلات وشبهات، هي دور علماء الطراز الأول ومراجع التقليد في الشؤون السياسية وخاصة الإمام الخميني عليه السلام والثورة الإسلامية. والغاية من هذا البحث هي تقديم اجابة للسؤال المطروح آنفاً. ونظراً إلى سعة مساحة هذا الموضوع، فقد اقتصرنا في بحثنا هذا على التحدث عن دور مراجع وعلماء الطراز الأول في النجف وقم. وعند مراجعة الوثائق التاريخية توصلنا إلى هذه النتيجة وهي انه طيلة استمرار مدة الحركة منذ عام ١٩٦٢ وإلى انتصار الثورة في عام ١٩٧٩م. كان لعموم مراجع التقليد في قم والنجف دور في دعم حركة الإمام الخميني عليه السلام والثورة الإسلامية من خلال ما كانوا يعقدونه من جلسات تشاورية، ويصدره من بيانات واعلانات، وارسال البرقيات إلى المسؤولين الحكوميين، والإجابة عما كان يصلهم من استفتاءات سياسية مختلفة، والمشاركة في بعض الاضرابات والتخشدات السياسية بدرجات مختلفة. وعلى الرغم من ان اختلاف الأساليب ومدى مجابهة النظام كانت موجودة بينهم، ولكن لا يمكن أن يُنسب إلى أحد من هؤلاء المراجع عناوين مثل انه كان بعيداً عن السياسة أو أنه كان مؤيداً لفصل الدين عن السياسة، أو انه يعارض اقامة حكومة إسلامية.

**الكلمات المفتاحية:** علماء الطراز الأول، المراجع، حركة الإمام الخميني عليه السلام، الثورة الإسلامية، إصدار البيانات، الاحتجاجات.

## دراسة مقارنة للحدثة، والعقلانية والنزعة المعنوية من وجهة نظر

الإمام الخميني عليه السلام وميشيل فوكو (الثورة الإسلامية في ايران مثلاً)سيد غلامرضا دوازده امامي<sup>٢</sup> / پرويز جمشيدى مهر<sup>٣</sup> / نصيبة عبدی پور<sup>٤</sup>

**الخلاصة:** يرى بعض المنظرين أن العقلانية المجردة من الروح المعنوية واحدة من المعالم البارزة للحدثة. هذا البحث يدرس الحدثة، والعقلانية، والمعنوية من وجهة نظر الإمام الخميني عليه السلام من العالم الإسلامي، وميشيل فوكو من العالم الغربي.

اثبتت تجربة الحدثة أن العقلانية التي أوجدها الانسان لم تستطع ايصال البشرية إلى مكانتها الأساسية بدون الروح المعنوية والجانب الميتافيزيقي. ومن بعد تبلور خطاب الثورة الإسلامية بقيادة الإمام الخميني عليه السلام أعيد إحياء المعنوية المنسية، وكان لهذا التوجه تأثيره في ميشيل فوكو. تدل معطيات هذا البحث على أن الحدثة غدت في مأزق بسبب تجاهلها للجانب المعنوي من الحياة. ويرى الإمام الخميني عليه السلام أن طريق الخروج من هذا المأزق يتلخص في توجه البشرية نحو العالم المعنوي. وقد اعتمد هذا البحث على نصوص مكتوبة ومما يُنشر على الانترنت واستعان بالاسلوب الوصفي والتحليلي للنظر في المعطيات التي توصل إليها.

**الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني عليه السلام، ميشيل فوكو، الحدثة، العقلانية، الروح المعنوية، الثورة الإسلامية في ايران.

abotaleby@gmail.com

mohsen12emami@yahoo.com

parvizjamshidi197@yahoo.com

abdipourn@yahoo.com

١. استاذ مساعد في مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحوث.

٢. استاذ العلوم السياسية، جامعة اصفهان.

٣. ماجستير في العلوم السياسية.

٤. ماجستير في العلوم السياسية.